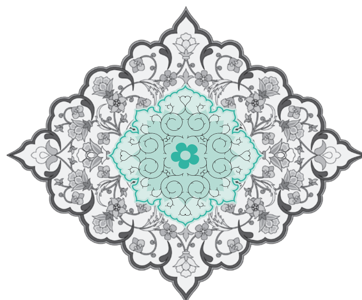
اربعین جامی

تألیف

حضرت مولانا ابوالبرکات نورالدین عبدالرّحمن جامی رحمة الله علیه

به اهتمام

محمد ابراهیم تیموری





ذو الحجهٔ ۱۴۴۷ هجری قمری
مطابق جوزای ۱۴۰۵ هجری شمسی موافق جون ۲۰۲۶ میلادی



متن آمادهٔ چاپ کتاب را می‌توانید از نشانی‌های ذیل به دست آورید:

جدیدترین PDF کتاب را می توانید با نشان انترتنی (email) ذیل تماس بگیرید:

miteymori@gmail.com

یا از نشانی زیر از برنامهٔ تلگرام اخذ کنید:

https://t.me/RaaheFalaah



و یا با شمارهٔ ذیل در تلفون یا واتس اپ و یا تلگرام در تماس شوید:

۰۰۴۴۷۷۷۶۰۰۳۱۳۷

و یا با شمارهٔ تلفونی ذیل در کابل تماس بگیرید:

امیر محمد: ۰۷۰۰۲۴۳۵۰۱

اربعین جامی

تألیف

حضرت مولانا ابوالبرکات نورالدین عبدالرحمن جامی رحمة الله علیه

به اهتمام

محمد ابراهیم تیموری



حرف اول

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ وَكَفٰى وَسَلَامٌ عَلٰى عِبَادِهِ الَّذِيْنَ اصْطَفٰى. اَمَّا بَعْدُ!



حضرت مولانا ابو البرکات نور الدِّین عبد الرّحمٰن بن شمس الدین احمد بن محمد جامی رحمه‌الله یکی از بزرگان اهل السنة والجماعة، مذهباً حنفی و نسلاً از اعقاب امام فقیه مُحدِّث مشهور حضرت امام محمد بن الحَسَن شَیْبانی رحمه‌الله (متوفّٰی ۱۸۹ ه.ق) از اعاظم شاگردان حضرت امام اعظم ابوحنیفه رحمه‌الله می باشد.

پدر بزرگوار ایشان در محلهٔ دشت اصفهان می‌زیست و از آنجا کوچیده در «جام» سکونت اختیار کرد و حضرت مولانا عبد الرحمٰن جامی رحمه‌الله در ۲۳ شعبان ۸۱۷ هجری قمری به وقت عشاء در همین جا به دنیا آمد و با این نسبت به «جامی» معروف شد.

حضرت مولانا عبد الرحمٰن جامی رحمه‌الله مُقدَّمات ادبیات فارسی و عربی را نزد پدر بزرگوار خویش آموخت و سپس در حلقهٔ درسی خواجه علی سمرقندی رحمه‌الله شاگرد جلیل سید شریف جرجانی رحمه‌الله و حلقهٔ درسی مولانا شهاب الدین محمد جاجزی رحمه‌الله تلمید علامه

سعد الدین تفتازانی رحمه الله و حلقهٔ درسی مولانا جند اصولی رحمه الله شرکت نمود. مولانا جند رحمه الله «شرح مفتاح» را به طلبه تدریس و تفهیم می‌کرد و می‌گفت: از زمانی که شهر سمرقند آباد شده تا بحال شاگرد جیّد الطبعی مانند عبد الرحمٰن پا به آن نگذاشته است. مولانا عبد الرحمٰن جامی رحمه الله در نحو و صرف و هیئت و نجوم و حکمت مشائی و حکمت اشراقی و حکمت طبیعی و ریاضی و علم فقه و اصول فقه و علوم حدیث و قرائت و تفسیر قرآن پرداخت و در همهٔ علوم عقلی و نقلی و فنون ادبی مهارت یافت.

زمانی که مولانا عبد الرحمٰن جامی رحمه الله کسب علوم ظاهری را به پایان رسانید از سمرقند به خراسان آمده با حضرت خواجه عُبَید الله احرار رحمه الله در طریقت نقشبندیه بیعت نمود و به فیوض و برکاتِ محبت ایشان به مقامات اعلیٰ رسید. ایشان همچنین از محضر شیخ سعد الدین کاشغری رحمه الله نیز استفاده نمود و با بسا مشایخ عِظام ملاقات کرد.

در هرات بین مولانا عبد الرحمٰن جامی رحمه الله و مولانا علاء الدین قوشچی رحمه الله شارح تجرید مباحثه‌ای رو داد که مولانا جامی غالب آمد. علامه قوشچی رحمه الله اعتراف کرد که حالا یقین نمودم که «نفس قُدسی» در همین جهان موجود است.

حضرت مولانا جامی رحمه الله در سال ۸۷۷ هجری قمری به زیارت حَرَمَیْن شریفَیْن مُشَرَّف شد و همچنین به دیار حَلَب و دمشق و سایر

مناطق شام مسافرت نمود. در سفر حج، علماء و مشایخ آنجا ایشان را تعظیم و تکریم وافر نمودند.

علامه ابن عابدین شامی رحمه‌الله نقل کرده که مولانا جامی رحمه‌الله یک بار به نیت زیارت روضهٔ اقدس جناب رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم سفر نمود و در این نیّت سفر حج را نیز شامل نساخت تا نیت خالص و محض برای زیارت نبوی عَلَيْهِ أَفْضَلُ الصَّلَوَاتُ وَالتَّسْلِيْمَاتْ باشد.

حضرت مولانا جامی رحمه‌الله با ذات مُقدّس نبوی صلی‌الله‌علیه‌وسلم محبت بی‌منتها و شیفتگی والهانهٔ بی‌انتها داشت. اشعاری که چند روز قبل از وفات گفته شاهد این مُدعاست:

أَحِـنُّ شَـوْقًا إِلـىٰ دِيَـارٍ لَقِيتُ فِيهَـا جَمَالَ سَـلْمَىٰ
که می‌رسانند از آن نواحی پیام وصلت به جانب ما
زهـی جمال تـو قبلهٔ جان حریم کـوی تو کعبهٔ دل
فَإِنْ سَـجَدْنَا إِلَيْكَ نَسْـجُدْ وَإِنْ سَـعَيْنَا إِلَيْكَ نَسْعَىٰ
بَكَتْ عُيُونِي عَلَىٰ شُـؤُونِي فَسَـاءَ حَالِـي وَلَا أُبَالِي
که دانم آخر طبیبِ وصلت مریضِ خود را کند مداوا

حضرت مولانا جامی رحمه‌الله یکی از ممتازترین شعراء و ادبای زبان فارسی است. کتب منظوم ایشان بسیار مشهور بوده و دیوان ایشان بارها چاپ شده است. اما شعر و شاعری کمترین فضلِ ایشان است. ایشان

ده‌ها کتاب و رساله در زبان عربی و فارسی از خود بجا گذاشته است:

۱. تفسیر القرآن تا فَإِيَّايَ فَارْهَبُونِ.
۲. رساله در تفسیر سورۀ اخلاص
۳. **اربعین جامی** (چهل حدیث)
۴. شرح حدیث ابی ذر غفاری رضي الله عنه
۵. شواهد النبوة
۶. نفحات الانس من حضرات القدس
۷. شرح فصوص الحکم
۸. نقد النصوص فی شرح نقش الفصوص
۹. الطریقة النقشبندیة (رسالۀ طریقۀ خواجگان)
۱۰. رسالة فی الوجود
۱۱. رسالة فی الواحد
۱۲. فقه منظوم
۱۳. الحاشیة القدسیة
۱۴. التحفة المکیة
۱۵. مناقب خواجه عبد الله انصاری رحمه الله
۱۶. شرح خاقانی
۱۷. اشعة اللمعات
۱۸. منتخب مثنوی معنوی
۱۹. اللوامع (شرح قصیدۀ نعتیۀ خمریۀ ابن فارض)

۲۰. تجنیس الخط
۲۱. شرح قصیدهٔ تائیه
۲۲. شرح رباعیات لوائح
۲۳. شرح البیتین الاولیین من المثنوی
۲۴. شرح ابیات امیر خسرو دهلوی
۲۵. شرح کلمات خواجه پارسا
۲۶. الدرر الفاخرة فی تحقیق المذهب الصوفیة
۲۷. رسالة فی وحدة الوجود
۲۸. رسالة فی اسئلة الهند واجوبتها
۲۹. مناقب عارف رومی
۳۰. رسالهٔ لا اله الا الله
۳۱. مناسک حج
۳۲. اعتقادنامه
۳۳. الصرف المنظوم
۳۴. المنصور
۳۵. شرح ابیات مأة عامل منظوم
۳۶. شرح مفتاح الغیب
۳۷. مثنوی طرح نوی
۳۸. سلسلة الذهب
۳۹. سلامان و ابسال

۴۰. تحفة الاحرار
۴۱. سبحة الابرار
۴۲. یوسف و زلیخا
۴۳. لیلی و مجنون
۴۴. خِرَدنامۀ اسکندری
۴۵. دیوان اول
۴۶. دیوان ثانی
۴۷. دیوان ثالث
۴۸. دیوان رابع
۴۹. الکبیر
۵۰. المتوسط
۵۱. الصغیر
۵۲. الاصغر (این چهار رسالۀ اخیر در معما هستند)
۵۳. منشآت جامی
۵۴. رسالة فی العروض
۵۵. رسالة فی القوافی
۵۶. رسالة فی الموسیقی
۵۷. بهارستان
۵۸. الکبری
۵۹. الصغری

۶۰. رسالة فی الهیأت

۶۱. رسالة فی الإصطرلاب

۶۲. رسالة فی المنطق

۶۳. حاشیهٔ مفتاح

۶۴. هدیة الخلان فی لطائف البیان

۶۵. تاریخ هرات

۶۶. خاتمة الحیاة؛ مثنوی که در آخر عمر سروده است

۶۷. ترجمهٔ فارسی قصیدهٔ میمیهٔ فَرَزْدَق که در وصف حضرت علی بن الحسین زین العابدین رحمه‌الله گفته است

۶۸. رشح حال در شرح حال، شرح احوال خود شان در نظم

۶۹. فاتحة الشباب، که آن را در جوانی نوشته است

۷۰. شرح قصیدهٔ بُرده

۷۱. واسطة العقد که آن را در اواسط زندگی خود نوشته است

۷۲. الفوائد الضیائیة معروف به شرح جامی

مشهورترین کتاب حضرت مولانا جامی رحمه‌الله که بعدِ گذر پنج قرن هنوز هم در مدارس اسلامیه تدریس می‌شود همین کتاب «الفوائد الضیائیة شرح الکافیة» است که در حَلَقات علمی به نام شرح جامی مشهور می باشد. این کتاب بعد از «شرح رضی» بهترین شرح کافیة است و از همین سبب مقبول علماء قرار گرفته و تا حال بیشتر از ۲۶ حاشیه و

شروحات در زبان‌های عربی و فارسی و اردو و ترکی بر آن نوشته‌اند.

مولانا جامی رحمه‌الله در شروع مثنوی یوسف و زلیخا قصیدهٔ نعتیهٔ مشهوری دارد. صاحب «أوجز المسالك إلى موطإ الامام مالك» حضرت شیخ الحدیث مولانا زکریا کانْدِهْلَوِی رحمه‌الله در کتاب فضائل درود خویش می‌نویسد که حضرت مولانا جامی رحمه‌الله بعد از سرودن این نعت اراده کرد تا آن را به خدمت نَبَوِی عَلَيْهِ أَفْضَلُ الصَّلَوَاتُ وَالتَّسْلِيْمَاتْ نزد روضهٔ مُطَهَّر بخواند، و هنگامی که از حج فراغت یافته ارادهٔ حرکت به سوی مدینهٔ مُنوَّره را نمود امیر مکه حضرت رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را به خواب دید و آنحضرت صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به او فرمودند که جامی را نگذار نزد ما بیاید. فردا امیر مکه مولانا جامی رحمه‌الله را از رفتن به مدینه منع کرد، اما جذبه و شوق دیدار نبوی صلی الله‌علیه‌وآله‌وسلم بر حضرت مولانا جامی رحمه‌الله آنقدر غلبه کرد که ایشان تحمل نتوانست و پنهان به سوی مدینهٔ منوَّره حرکت کرد. امیر مکه دوباره حضرت رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را بخواب دید که می‌فرماید جامی حرکت کرده او را نگذار نزد ما بیاید. امیر مکه این بار دو نفر را فرستاد و حضرت مولانا جامی رحمه‌الله را از راه برگردانید و بر ایشان سختی نموده ایشان را به زندان انداخت. اما بار سوم رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را به خواب دید که به او فرمودند: جامی مجرم نیست او قصیده‌ای برای ما گفته و می‌خواهد به مدینه آمده

نزد قبرم آن را بخواند و اگر آن را بخواند از مقبره دست بیرون نموده با او مصافحه خواهم نمود که سبب فتنه خواهد شد. امیر مکه فوراً حضرت جامی رحمه الله را از زندان بیرون نموده بسیار اعزاز و تکریم نمود.

آن قصیده این است:

ز مهجوری برآمد جان عالَم — ترحُّم یا نبی الله ترحَّم
نه آخر رحمةٌ لِّلعالمینی — ز محرومان چرا فارغ نشینی
ز خواب ای لالۀ سیراب برخیز — چو نرگس خواب چند از خواب برخیز
برون آور سر از بُرْد یمانی — که روی توست صبح زندگانی
شب اندوه ما را روز گردان — ز رویت روز ما فیروز گردان
به تن در پوش عنبر بوی جامه — به سر بربند کافوری عمامه
فرو آویز از سر گیسوان را — فکن سایه به پا سرو روان را
ادیم طایفی نعلَیْن پا کن — شراك از رشتۀ جان های ما کن
جهانی دیده کرده فرش راهند — چو فرش اقبالِ پابوس تو خواهند
ز حُجره پای در صحنِ حَرَم نِه — به فرقِ خاكِ ره‌بوسان قدم نِه
بده دستی ز پا افتادگان را — یکی دلداری‌ای دلدادگان را
اگرچه غرق دریای گناهیم — فتاده خشك‌لب بر خاكِ راهیم
تو ابر رحمتی آن بِه که گاهی — کنی بر حال لب‌خشکان نگاهی
بخود درمانده‌ایم از نَفْس خودرای — ببین درمانده‌ای چند و ببخشای
اگر نَبْوَد چو لطفت دستیاری — ز دست ما نیاید هیچ کاری
قضا می‌افکند از راه ما را — خدا را از خدا درخواه ما را

که بخشد از یقین اول حیاتی | دهد آنگه به کار دین ثباتی
چو هولِ روز رستاخیز خیزد | به آتش آبِ روی ما نریزد
کند با این همه گمراهیِ ما | تو را اِذن شفاعت خواهیِ ما
چو چوگان سرفکنده آوری روی | به میدان شفاعت اُمتی گوی
به حُسن اهتمامت کار جامی | طفیل دیگران یابد تمامی



حضرت مولانا جامی رحمه‌الله در عمر ۸۱ سالگی در ۱۸ مُحرَّم ۸۹۸ هجری قمری در شهر هرات وفات کرد و در همانجا مدفون شد. اما بعدها بخاطر مصون ماندن از وحشیان روافض صفویه که اجساد بزرگان اهل سنّت را از قبر می‌کشیدند و می‌سوزانیدند جسد مُطَهَّر ایشان را از آنجا بیرون نموده در جای دیگری دفن کردند.

کتاب اربعین جامی:

اربعین جامی شامل چهل حدیث شریف است که مولانا جامی رحمه‌الله آنها را به نظم فارسی ترجمه نموده است و همانطور که خداوند بزرگ «اربعین نَوَوِی» را مقبول خاص و عام گردانیده «اربعین جامی» را نیز در بین فارسی‌زبانان مورد قبول عام و خاص ساخته است. این اربعین بارها چاپ شده که بهترین طبع آن چاپ انتشارات انجمن جامی است که به مناسبت پنج صد و پنجاهمین سال ولادت جامی در کابل به طبع رسیده بود و عالِمی بر تخریج احادیث آن نیز اندک کار کرده بود. اربعین

جامی در زبان انگلیسی نیز ترجمه و چاپ شده است.

جامی رحمه الله بر علوم اسلامی نظر وسیع داشت. بعد از چهل روز کار بر تخریج احادیث اربعین جامیؒ آنچه بر حقیر روشن شد وسعت مطالعه و نظر حضرت مولانا جامی رحمه الله در کتب حدیث شریف بود.

کار بنده بر اربعین جامی:

مولانا جامی رحمه الله تنها ترجمهٔ احادیث را به صورت منظوم نوشته بود. بنده ترجمهٔ سادهٔ احادیث را نیز افزودم.

مولانا جامی رحمه الله جهتِ اختصار حوالهٔ احادیث را نیاورده است، بنده مختصراً حوالهٔ احادیث را آوردم.

مولانا جامی رحمه الله درجهٔ حدیث را نیاورده است، بنده درجهٔ آن احادیث را نیز افزودم.

در آخر به بارگاه الٰهی دعا دارم تا این اوراق را سبب رضای خویش از ما بگرداند. رحمت حق بهانه می جوید بها نمی جوید.

بنده همان بِه که ز تقصیر خویش   عذر به درگاه خدای آورَد
ورنه سزاوار خداوندیش   کس نتواند که بجای آورَد

وَآخِرُ دَعْوَانَا أَنِ الْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ.

ذو القعدهٔ ۱۴۳۹ هجری قمری
موافق سرطان ۱۳۹۷ هجری شمسی مطابق جولای ۲۰۱۸ میلادی

محمد ابراهیم تیموری

اربعین جامی



﴿ اربعین جامی ﴾



صحیح ترین حدیثی که راویان مجالسِ دین و مُحَدِّثانِ مدارسِ یقین املا کنند حمدِ دانائیست که کلماتِ تامّهٔ جامعه بر زبان مُعْجِزْبیانِ حبیبِ خود گذرانیده و آن را تالیِ کلام کامل و خطابِ شامل خود گردانیده، و به نقل ثِقَةٍ بَعْدَ ثِقَةٍ به گوش محرومان از سعادتِ صحبتِ وی رسانیده، و به نور علم به آن و عمل به مُوجِبِ علم از ظُلَمَاتِ ضلالتِ شان رهانیده؛ وَصَلَّی اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَأَصْحَابِهِ وَسَلَّمَ نَقَلَةِ عُلُوْمِهِ وَحَفَظَةِ آدَابِهِ. امّا بعد:

این چهل کلمه‌ای است از آن کلمات که سهولتِ فهم و حفظ را[1] به نظم فارسی ترجمه کرده می آید، امیدواری آن را که ناظمِ مترجم امروز در شرطِ «مَنْ حَفِظَ عَلٰی أُمَّتِي أَرْبَعِيْنَ حَدِيْثًا يَنْتَفِعُوْنَ بِهِ» داخل شود، و فردا به سعادت جزاءِ «بَعَثَهُ اللهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَقِيْهاً عَالِماً»[2] واصل گردد.

(۱) «را» در اینجا به معنای «برای/بخاطر» است. یعنی بخاطر سهولت فهم و حفظ...
(۲) ترجمهٔ حدیث شریف: «هرکس چهل حدیث را به اُمت من برساند تا از آن نفع ببرند، خداوند او را در زمرهٔ فقهاء و علماء حشر می کند».

وَمِنَ اللهِ مُكَوِّنِ الْكَوْنِ، أَلْعِصْمَةُ وَالْعَوْنُ.[1]

---

(۱) حديث شريف: «مَنْ حَفِظَ عَلٰى أُمَّتِي أَرْبَعِيْنَ حَدِيْثًا يَنْتَفِعُوْنَ بِهِ بَعَثَهُ اللهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَقِيْهاً عَالِماً». ترجمه: «هر کس چهل حدیث را به اُمت من برساند تا از آن نفع ببرند، خداوند او را در زمرۀ فقهاء و علماء حشر می کند».

الاربعون النَّوَوِيّة للنَّوَوِی: ص ۳۷ تا ۴۳ | مشكاة المصابيح مع المرقاة: ۳۲۸/۱ حديث ۲۵۸ كتاب العلم | المجالسة وجواهر العلم للدينورى: ۱۶۴/۷ حديث ۳۰۷۰ | الفوائد للبجلى الرازى: ۱۴۰/۲ حديث ۱۳۶۸ و حديث ۱۳۶۹ | جامع بيان العلم وفضله لابن عبد البر: ۱۹۲/۱ حديث ۲۰۴ و ۲۰۵ | ترتيب الأمالي الخميسية للشجري: ۱۲/۱ حديث ۴ | معجم الشيوخ لابن عساكر: ۲۶۹/۱ حديث ۳۱۶ | شعب الايمان للبيهقى: ۲۳۹/۳ حديث ۱۵۹۶ و حديث ۱۵۹۶ | حلية الأولياء وطبقات الأصفياء لابى نعيم الاصبهانى: ۱۸۹/۴ | حلية الأولياء وطبقات الأصفياء لابى نعيم الاصبهانى: ۱۸۹/۴ | مسند الموطأ للجوهري: ص ۹۴ حديث ۲۸ | كتاب الفوائد (الغيلانيات): ۳۷۰/۱ حديث ۳۸۹ | السراج المنير شرح الجامع الصغير في حديث البشير النذير للعزيزى: ۲۸۹/۴ | التعيين في شرح الأربعين: ص ۱۵

درجۀ حدیث:

قال النَّوَوِيُّ رحمه الله: واتفق الحفاظ على أنّه حديثٌ ضعيفٌ. (الاربعون النووية: ص ۳۸) ... وقد اتفق العلماءُ على جوازِ العمل بالحديث الضعيف (ص ۴۲) في فضائل الأعمال. ومع هذا فليس اعتمادي على هذا الحديث، بل على قوله صلى الله عليه وسلم في الأحاديث الصحيحة: «لِيُبَلِّغِ الشَّاهِدُ مِنكمُ الغَائِبَ»، وقوله صلى الله عليه وسلم: «نَضَّرَ اللهُ امْرَأً سَمِعَ مَقَالَتِي فَوَعَاهَا فَأَدَّاهَا كَمَا سَمِعَهَا». (الاربعون النووية: ص ۴۳)

امام نَوَوِی رحمه‌الله دربارۀ اسناد این حدیث شریف می نویسد: حُفاظ حدیث اتفاق دارند که این حدیث ضعیف است... و باید دانست که علمای اسلام بر جواز استفاده از حدیث ضعیف در فضائل اعمال اتفاق دارند. (الاربعون النووية: ص ۳۸ تا ۴۳)

ثانیاً این حدیث شریف هم طُرُق بسیار زیادی دارد چنانکه چهارده صحابۀ کرام آن را روایت کرده‌اند و شواهد صحیح دارا می باشد، چنانچه در صحیح بخاری روایت است: «بَلِّغُوا عَنِّي وَلَوْ آيَةً»، از من به دیگران برسانید حتی اگر یک روایت هم باشد (صحیح البخاری: حدیث ۳۴۶۱)، و حدیث «لِيُبَلِّغِ الشَّاهِدُ الغَائِبَ» حاضر به غایب برساند (صحیح البخاری: حدیث ۶۷)، و حدیث «نَضَّرَ اللهُ امْرَأً سَمِعَ مَقَالَتِي فَوَعَاهَا وَحَفِظَهَا وَبَلَّغَهَا»، خداوند نیکو و پررونق بدارد کسی را که حدیث مرا بشنود و آن را بفهمد و بیاد بسپارد و به مردم برساند. (جامع الترمذی: حدیث ۲۶۵۸)

پس با وجود طُرُق کثیر و شواهد صحیح، این حدیث شریف در بابِ فضائل یقیناً قابل استفاده می باشد.

حدیث اول

قَالَ النَّبِیُّ صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: لاَ یُؤْمِنُ اَحَدُکُمْ حَتَّی یُحِبَّ لِأَخِیهِ مَا یُحِبُّ لِنَفْسِهِ.[1]

ترجمهٔ حدیث: حضرت پیامبر خدا صلی الله علیه وآله وسلم فرمودند: هیچ کسی تا هنگامی مسلمان درست نمی‌شود که آنچه (خوبی) برای خود می پسندد برای برادر مسلمان خود نیز نپسندد.

هر کسی را لقب مکن مؤمن　　　گرچه از سعی جان و تن کاهد
تا نخواهد برادر خود را　　　آنچه از بهر خویشتن خواهد

حدیث دوم

مَنْ أَعْطی لِلّٰهِ، وَمَنَعَ لِلّٰهِ، وَأَحَبَّ لِلّٰهِ، وَأَبْغَضَ لِلّٰهِ، فَقَدْ اسْتَکْمَلَ إِیمَانَهُ.

ترجمهٔ حدیث: حضرت پیامبر خدا صلی الله علیه وآله وسلم فرمودند: هر کسی به خاطر رضای خدا انفاق کرد و به خاطر او از انفاق دست

(۱) صحیح البخاری: حدیث ۱۳ کِتَابُ الإِیمَانِ، بَابٌ: مِنَ الإِیمَانِ أَنْ یُحِبَّ لَأَخِیهِ مَا یُحِبُّ لِنَفْسِهِ | صحیح مسلم: حدیث ۴۵ کِتَابُ الْإِیمَانَ، بَابُ الدَّلِیلِ عَلَی أَنَّ مِنْ خِصَالِ الْإِیمَانِ أَنْ یُحِبَّ لِأَخِیهِ الْمُسْلِمِ مَا یُحِبُّ لِنَفْسِهِ مِنَ الْخَیْرِ

بازداشت و به خاطر خدا دوستی نمود و به خاطر خدا دشمنی‌اش بود، او ایمان خود را کامل گردانیده است.(۱)

هرکه‌در حُبّ‌و بُغض‌ومنع‌وعطا نبودش دل بغیر حق مایل
نقدِ ایمانِ خویش را یابد بر مَحَكِّ قبولِ حقّ کامل

حدیث سوم

الْمُسْلِمُ مَنْ سَلِمَ الْمُسْلِمُونَ مِنْ لِسَانِهِ وَيَدِهِ.(۲)

ترجمهٔ حدیث: حضرت پیغامبر اکرم صلی الله علیه وآلهٖ وسلَّم فرمودند: مسلمان آن کس است که مسلمانان از دست و زبان او در امان باشند.

مُسْلِم آنکس بُوَد به قَول رسول گرچه عامی بُوَد وَ گر عالِم
که به هر جا بُوَد مسلمانی باشد از قول و فعل او سالِم

(۱) المستدرك للحاكم: ۱۷۸/۲ حدیث ۲۶۹۴ کتاب النكاح | جامع الترمذی: حدیث ۵۲۱ أَبْوَابُ صِفَةِ الْقِيَامَةِ وَالرَّقَائِقِ وَالْوَرَعِ، آخرين باب آن | سنن ابی داؤد: حدیث ۴۶۸۱ أول كتاب السنة، باب الدليل على زيادة الإيمان ونقصانه

درجهٔ حدیث:

قال الحاكم: هَذَا حَدِيثٌ صَحِيحٌ عَلَى شَرْطِ الشَّيْخَيْنِ، وَلَمْ يُخَرِّجَاهُ. وقال الذَّهبي: على شرط البخاري ومُسلم.

(۲) صحیح البخاری: حدیث ۱۰ و ۱۱ کتاب الايمان، بَابٌ: المُسْلِمُ مَنْ سَلِمَ المُسْلِمُونَ مِنْ لِسَانِهِ وَيَدِهِ | صحیح مسلم: حدیث ۴۰ و ۴۱ و ۴۲ كِتَابُ الْإِيمَانَ، بَابُ بَيَانِ تَفَاضُلِ الْإِسْلَامِ، وَأَيُّ أُمُورِهِ أَفْضَلُ

حدیث چهارم

خَصْلَتَانِ لَا تَجْتَمِعَانِ فِي مُؤْمِنٍ: أَلبُخْلُ وَسُوْءُ الْخُلُقِ. (۱)

ترجمه: نبی کریم ﷺ فرمودند: دو خصلت در مؤمن یکجا جمع نمی‌شود: بُخل و بد اخلاقی.

بذل کن مال وخوی نیکو و زَر راه ایمان اگر همی پوئی
زانکه در هیچ مؤمنی با هم نشود جمعْ بُخل و بدخوئی

حدیث پنجم

يَشِيْبُ ابْنُ آدَمَ وَيَشبُّ فِيْهِ خَصْلَتَانِ: أَلْحِرْصُ وَطُوْلُ الْأَمَلِ.

ترجمهٔ حدیث: حضرت پیامبر خدا صلی الله علیه وآله وسلم فرمودند: انسان پیر می‌شود اما دو صفت در او جوان می‌شوند: حرص بر اندوختن

(۱) جامع الترمذی: حدیث ۱۹۶۲ أَبْوَابُ البِرِّ وَالصِّلَةِ، بَابُ مَا جَاءَ فِي البَخِيلِ | مسند ابی داؤد الطیالسی: ۶۰۶/۳ حدیث ۲۳۲۲ | منتخب مسند عبد بن حُمید: ص ۳۰۷ حدیث ۹۹۴ | الکنی والانساب للدولانی: ۱۰۴۸/۳ حدیث ۱۸۴۰ | مسند الشهاب للقضاعی: ۲۱۱/۱ حدیث ۳۱۹ | شعب الایمان للبیهقی: ۲۸۱/۱۳ حدیث ۱۰۳۳۶ الاعراض عن اللغو | الآداب للبیهقی: ص ۳۵ حدیث ۸۷ | المداوي لعلل الجامع الصغير وشرحي المناوي للغُماری: ۴۷۹/۳ و ۴۸۰ حدیث ۱۶۴۹/ ۳۹۱۵

درجهٔ حدیث:

حدیثٌ ضعیفٌ ولاکن له شواهد فیتقوی بها.

پول و مال، و آرزوهای طولانی.(۱)

آدمـی را بـه پیـری افزایـد   هـر زمان در بنـای عمر خَلَل
لیک در وی جوان شود دو صفت   حرص بر جمعِ مال و طولِ اَمَل



مَنْ لَمْ يَشْكُرِ النَّاسَ لَمْ يَشْكُرِ اللّٰهَ.

ترجمه: نبی کریم ﷺ فرمودند: هر کس شکر مردم را بجا نیاورد شکر خدا را نیز بجا نمی آورد.(۲)

به تو نعمت ز دست هر که رسد   نِه بـه میـدانِ شـکرگوئی پای
کَـی به شـکرِ خـدا قیـام کنـد   تـارکِ شـکرِ بنـدگانِ خـدای

---

(۱) المقاصد الحسنة للسخاوی: ص ۷۴۴ حدیث ۱۳۵۲ | كَشْفُ المنَاهِجِ وَالتَّنَاقِيح في تَخْرِيجِ أَحَادِيثِ الْمَصَابِيح للمناوی واللفظ لهما: ۱۳۲/۴ تحت حديث ۳۶۹۶ | صحيح البخاری بلفظ يَكْبُرُ: ۹۰/۸ حديث ۶۴۲۱ كِتَابُ الرِّقَاقِ، بَابُ مَنْ بَلَغَ سِتِّينَ سَنَةً، فَقَدْ أَعْذَرَ اللهُ إِلَيْهِ فِي العُمُرِ | صحيح مسلم بلفظ يَهْرَمُ: حديث ۱۰۴۷ كِتَاب الزَّكَاةِ، بَابُ كَرَاهَةِ الْحِرْصِ عَلَى الدُّنْيَا | مسند احمد بلفظ يَهْرَمُ: ۱۸۹/۱۹ حديث ۱۲۱۴۲ | جامع الترمذی بلفظ يَهْرَمُ: حديث ۲۳۳۹ أَبْوَابُ الزُّهْدِ، بَابُ مَا جَاءَ فِي قَلْبُ الشَّيْخ شَابٌّ عَلَى حُبِّ اثْنَتَيْنِ

(۲) جامع الترمذی: حديث ۱۹۵۵ أَبْوَابُ البِرِّ وَالصِّلَةِ، بَابُ مَا جَاءَ فِي الشُّكْرِ لِمَنْ أَحْسَنَ إِلَيْكَ | مسند احمد: ۴۷۲/۱۲ حديث ۷۵۰۴ | كَشْفُ المنَاهِجِ وَالتَّنَاقِيحِ في تَخْرِيجِ أَحَادِيثِ الْمَصَابِيح للمُناوی: ۵۶۴/۲ حديث ۲۲۴۵

درجهٔ حدیث: قال المناوی: رواه الترمذي في البر من حديث أبي سعيد الخدري وقال فيه: حَسَنٌ، ورواه أبوداود في الأدب والترمذي أيضًا من حديث أبي هريرة بنحوه، وقال: حَسَنٌ صحيحٌ. (كَشْفُ المنَاهِجِ للمُناوی: ۵۶۴/۲ حديث ۲۲۴۵) وحديث مُسند احمد إسنادُهُ صَحِيحٌ، رجالُهُ ثقاتٌ رجالُ الصَّحِيح.



مَنْ لَا يَرْحَمِ النَّاسَ، لَا يَرْحَمْهُ اللهُ عَزَّ وَجَلَّ.[1]

ترجمه: نبی کریم ﷺ فرمودند: هر کس بر مردم رحم نکند خداوند بر او رحم نخواهد کرد.

رحم کن رحم زانکه بر رخِ تو | درِ رحمت جز از تو نگشـاید
تـا تـو بـر دیگـران نبخشـائی | اَرْحَـمُ الرَّاحِمِيـن نبخشـاید



الدُّنْيَا مَلْعُونَةٌ، مَلْعُونٌ مَا فِيهَا إِلَّا ذِكْرُ اللهِ.[2]

---

(۱) صحيح البخاري: حديث ۷۳۷۶ كِتَابُ التَّوْحِيدِ، بَابُ قَوْلِ اللهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى: قُلِ ادْعُوا اللهَ أَوِ ادْعُوا الرَّحْمَنَ أَيًّا مَا تَدْعُوا فَلَهُ الأَسْمَاءُ الحُسْنَى | صحيح مسلم: حديث ۲۳۱۹ كتاب الْفَضَائِلِ، بَابُ رَحْمَتِهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ الصِّبْيَانَ وَالْعِيَالَ وَتَوَاضُعِهِ وَفَضْلِ ذَلِكَ

(۲) جامع الترمذی: حديث ۲۳۲۲ أَبْوَابُ الزُّهْدِ | سنن ابن ماجه: حديث ۴۱۱۲

درجهٔ حدیث: حديثٌ حَسَنٌ صَحِيحٌ. قال الامام الترمذی: حديث حَسَنٌ. وقال الغُماری: قال الحافظ المنذری: «إسناده لا بأس به»، وله مع ذلك طرق أخرى متعددة منها ما حكم له الحفاظ بالصحة على انفراده... وقد صَحَّحَهُ الضياء المقدسی، ومنها حديث أبي سعيد الخدری نحوه عند ابن المبارك عن ثور بن يزيد عن خالد بن معدان عن أبي سعيد، ورواه من طريقه ابن عبد البر في العلم، فالحديث حينئذٍ مع هذه الطرق لا يشك في صحته إلا معاند متعنت. (المداوی لعلل الجامع الصغير و شرحَی المناوی: ۶۱/۴ تا ۶۳ حديث ۴۲۸۰/۱۸۰۴ و ۴۲۸۱/۱۸۰۵ و ۴۲۸۳/۱۸۰۶)

ترجمه: نبی کریم ﷺ فرمودند: دنیا مورد لعنت است و هرچه در آن است مورد لعنت است، بجز ذکر الله.

هدفِ لعنتِ خدای آمد دنیا و هرچه هست در دنیا
غیرِ ذکرِ خدا که صاحبِ ذکر دردوعالَم به‌رحمت‌است‌اولیٰ

حدیث نهم

لُعِنَ عَبْدُ الدِّينَارِ، وَلُعِنَ عَبْدُ الدِّرْهَمِ.[1]

ترجمه: نبی کریم ﷺ فرمودند: بندهٔ دینار از رحمت خدا دور باد، بندهٔ درهم از رحمت خدا دور باد.

گرچه‌هست‌آفتابِ‌رحمتِ‌حق شـــامـلِ ذرَّه ذرَّهٔ عـــالَـم
باد از آن دور بنـدهٔ دینـار بـاد از آن دور بنـدهٔ درهـم

حدیث دهم

دُمْ عَلَى الطَّهَارَةِ يُوَسَّعُ عَلَيْكَ فِي الرِّزْقِ.

(۱) جامع الترمذی واللفظ له: حدیث ۲۳۷۵ أَبْوَابُ الزُّهْدِ | صحیح البخاری بلفظ تَعِسَ عَبْدُ الدِّينَارِ وَالدِّرْهَمِ: حدیث ۲۸۸۶ و ۲۸۸۷ كِتَابُ الجِهَادِ وَالسِّيَرِ، بَابُ الحِرَاسَةِ فِي الغَزْوِ فِي سَبِيلِ الله

ترجمهٔ حدیث: همیشه با طهارت باش، رزق بر تو وسیع می گردد.[1]

ای کز آلودگیِ تو شب و روز فاقه و فقرِ تو زیاده شود
بی طهارت مباش تا بر تو روزیِ تنگِ تو گشاده شود

حدیث یازدهم

لاَ يُلْدَغُ الْمُؤْمِنُ مِنْ جُحْرٍ وَاحِدٍ مَرَّتَيْنِ.[2]

ترجمه: نبی کریم ﷺ فرمودند: مسلمان از یک سوراخ دو بار گزیده نمی شود.

دیگر از وی مدار چشمِ وفا هر که شد با تو در جفا گستاخ
زانکه هرگز دو بار مؤمن را نگزد مار از یکی سوراخ

---

(۱) کنز العمال: ۱۲۹/۱۶ حدیث ۴۴۱۵۴ کتاب المواعظ والرقائق والخطب والحكم من قسم الأفعال، فصل في جامع المواعظ والخطب، خطب النبي ﷺ ومواعظه | جامع الاحادیث: ۴۲۹/۳۶ تا ۴۳۲ حدیث ۳۷۶۴۰

قال الشيخ جلال الدين السيوطي رحمه الله: وجدت بخط الشيخ شمس الدين بن القماح في مجموع له عن أبي العباس المستغفري قال: قصدت مصر أريد طلب العلم من الإمام أبي حامد المصري والتمستُ منه حديث خالد بن الوليد فأمرني بصوم سنة ثم عاودتُه في ذلك فأخبرني باسناده عن مشايخه إلى خالد بن الوليد قال: جاء رجل إلى النبي ﷺ فقال...: أُحِبُّ أن يُوسَعَ عَلَيَّ في الرزق، قَالَ: دُمْ عَلَى الطَّهَارَةِ يُوْسَعُ عَلَيْكَ فِي الرِّزْقِ.

درجهٔ حدیث: ضعيفٌ جداً.

(۲) صحیح البخاری: ۳۱/۸ حدیث ۶۱۳۳ كِتَابُ الأَدَبِ، بَابٌ: لَا يُلْدَغُ الْمُؤْمِنُ مِنْ جُحْرٍ مَرَّتَيْنِ | صحیح مُسْلِم: ۲۲۹۵/۴ حدیث ۲۹۹۸ كِتَابُ الزُّهْدِ وَالرَّقَائِقِ، بَابٌ: لاَ يُلْدَغُ الْمُؤْمِنُ مِنْ جُحْرٍ مَرَّتَيْنِ

حدیث دوازدهم

وَمِنْ كَلَامِهِ ﷺ: الْعِدَّةُ دَيْنٌ.[1]

ترجمه: نبی کریم ﷺ فرمودند: وعده دادن، قرض بر گردن خود نهادن است.

مـرد را هرچه بگـذرد به زبان　　عیـب باشـد ورای آن کـردن
وعده در ذمّهٔ کَرَم قرض است　　فـرض باشـد ادای آن کـردن

حدیث سیزدهم

وَقَالَ ﷺ: الْمَجَالِسُ بِالْأَمَانَةِ.[2]

ترجمه: آنحضرت ﷺ فرمودند: رازِ مجالس، امانت است.

(۱) المعجم الاوسط للطبرانی: ۲۳/۴ حدیث ۳۵۱۳ و ۳۵۱۴ | المعجم الصغیر للطبرانی: ۲۵۶/۱ حدیث ۴۱۹ | مسند الشهاب للقضاعی: ۴۰/۱ حدیث ۷ | الفردوس بمأثور الخطاب للدیلمی: ۸۲/۳ حدیث ۴۲۲۸ باب الظاء | أسنى المطالب في أحاديث مختلفة المراتب للحوت الشافعی: ص ۱۳۱ حدیث ۹۳۴

درجهٔ حدیث: إسنادُهُ ضَعِيفٌ ولاكِن لَهُ عِدَّةُ طُرُقٍ فَهُوَ حَدِيْثٌ حَسَنٌ.

(۲) مسند احمد: ۴۵/۲۳ حدیث ۱۴۶۹۳ | سنن ابی داود: حدیث ۴۸۶۹ أول كتاب الأدب، باب في نَقلِ الحديث | ومثله فی جامع الترمذی: حدیث ۱۹۵۹ أَبْوَابُ البِرِّ وَالصِّلَةِ، بَابُ مَا جَاءَ أَنَّ المَجَالِسَ أَمَانَةٌ | مسند احمد: ۳۶۲/۲۲ حدیث ۱۴۴۷۴

درجهٔ حدیث: قال الإمام الترمذی رحمه الله: هَذَا حَدِيثٌ حَسَنٌ.

قُلتُ: وَلَهُ طُرُقٌ كَثِيْرَةٌ وَشَوَاهِدُ صَحِيْحَةٌ فَهُوَ حَدِيْثٌ حَسَنٌ لِذَاتِهِ صَحِيْحٌ لِغَيْرِهِ.

ای شده مَحْرَمِ مجالِس، پس   راز هر مجلسی امانت تُست
مکن افشای رازِ مجلسِ کس   زانکه افشای آن خیانت تُست

حدیث چهاردهم

وَمِنْ كَلَامِهِ ﷺ: أَلْمُسْتَشَارُ مُؤْتَمَنٌ.[1]

ترجمه: از کلام آنحضرت ﷺ است: کسی که از او مشورت می‌خواهند، در مشورت امانت‌دار باشد.

هر که در مشورت امینِ تو شد   گرچه باشد امانِ روی زمین
چون نهان دارد آنچه مصلحت است   خاینش خوان به حکمِ دین نه امین

حدیث پانزدهم

وَمِنْ كَلَامِهِ ﷺ: السَّمَاحُ رَبَاحٌ.

(۱) جامع الترمذي: حديث ۲۳۶۹ أَبْوَابُ الزُّهْدِ، بَابُ مَا جَاءَ فِي مَعِيشَةِ أَصْحَابِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ | جامع الترمذی: حدیث ۲۸۲۲ و۲۸۲۳ أَبْوَابُ الْأَدَبِ، بَابُ أَنَّ الْمُسْتَشَارَ مُؤْتَمَنٌ | سنن ابن ماجه: حدیث ۳۷۴۵ و ۳۷۴۶ أَبْوَابُ الْأَدَبِ، بَاب الْمُسْتَشَارُ مُؤْتَمَنٌ | سنن أبی داؤد: حدیث ۵۱۲۸ أول كتاب الأدب، باب في المَشُورةِ | مسند احمد: ۴۳/۳۷ حدیث ۲۲۳۶۰

درجهٔ حدیث: قال الإمام الترمذی رحمه الله: هَذَا حَدِيثٌ حَسَنٌ صَحِيْحٌ.

ترجمه: و از کلام ایشان است ﷺ: عفو و بخشش، نفع است.[1]

سودت اگر بایدت ز مایهٔ خویش　　دستِ بخشش گشای و بخشایش
سودت اکنون ستایش و فردا　　در جوارِ خدایْ آسایش


حدیث شانزدهم

وَمِنْ كَلَامِهِ ﷺ: الدَّيْنُ شَيْنُ الدِّيْنِ.[2]

ترجمه: و از کلام ایشان است ﷺ: قرضداری عیبِ دینداری است.

نکشد بهرِ مالِ دنیا رنج　　هر که خواهد کمال بهرهٔ دِین
چهرهٔ دین مکَن به ناخنِ دَین　　تا نکاهد جمالِ چهرهٔ دِین

(۱) كشف الخفاء ومزيل الإلباس للعجلونی: ۵۲۲/۱ حديث ۱۴۸۹ | مسند الشهاب للقضاعی: ۴۸/۱ حديث ۲۳ السَّمَاحُ رَبَاحٌ وَالْعُسْرُ شُؤْمٌ | الفردوس بماثور الخطاب للديلمی: ۳۴۷/۲ حديث ۳۵۷۱ | الدرر المنتثرة في الأحاديث المشتهرة للسيوطی: حديث ۲۶۲ | التخريج الصغير والتحبير الكبير لابن المبرد: (مطبوع ضمن مجموع رسائل ابن عبد الهادي): ۱۰۴/۳ حديث ۵۱۷ حرف السين | المقاصد الحسنة للسخاوی: ص ۳۹۱ حديث ۵۷۰ حرف السين المهملة

درجهٔ حدیث: حَدِيثٌ ضَعِيفٌ وَلاكن لَهُ شَوَاهِدُ.

(۲) مسند الشهاب للقضاعی: ۵۳/۱ حديث ۳۱ الدَّيْنُ شَيْنُ الدِّينِ | معرفة الصحابة: ۲۴۶۹/۵ حديث ۶۰۱۷ | كنز العمال: ۲۳۱/۶ حديث ۱۵۴۷۶ | التخريج الصغير والتحبير الكبير (مطبوع ضمن مجموع رسائل ابن عبد الهادي): ۹۱/۳ حديث ۴۶۰ | كشف الخفاء: ص ۴۱۵ تحت حديث ۱۳۲۷

درجهٔ حدیث: سندُهُ ضَعِيفٌ وَلاكن لَهُ شَوَاهِدُ.

حدیث هفدهم

وَمِنْ كَلَامِهِ ﷺ: الْقَنَاعَةُ مَالٌ لَا يَنْفَدُ.[1]

ترجمه: و از کلام آنحضرت است ﷺ: قناعت، مالی است که هرگز ختم نمی‌شود.

صاحبِ حرص را ز خوانِ کرم فیض احسان نمی رسد هرگز
به قناعت گرای کان مالیست که به پایان نمی رسد هرگز

حدیث هژدهم

وَمِنْ كَلَامِهِ ﷺ: الصُّبْحَةُ تَمْنَعُ الرِّزْقَ.[2]

(۱) المعجم الاوسط للطبرانی: ۸۴/۷ حدیث ۶۹۲۲ | کتاب الأمثال في الحدیث النبوي للاصبهانی: ص ۱۲۴ حدیث ۸۳ | الترغیب في فضائل الأعمال لابن شاهین: ص ۹۵ حدیث ۳۰۶ | مسند الشهاب للقضاعی: ۷۲/۱ حدیث ۶۳ | ترتیب الأمالي الخمیسیة للشجري: ۲۷۳/۲ حدیث ۲۴۱۴ **درجهٔ حدیث:** حَدِيثٌ ضَعِيفٌ وَلاكن لَهُ شَاهِدٌ.

(۲) الآداب للبیهقی: ص ۲۷۶ حدیث ۶۷۵ بَابُ الْوَقْتِ الَّذِي يُكْرَهُ فِيهِ النَّوْمُ وَلاَ يُكْرَهُ | مسند احمد: ۵۴۷/۱ حدیث ۵۳۰ | شرح مشکل الآثار للطحاوی: ۱۰۳/۳ حدیث ۱۰۷۴ | مسند الشهاب للقضاعی: ۷۳/۱ حدیث ۶۵ | شعب الایمان للبیهقی: ۴۰۱/۶ حدیث ۴۴۰۲ | أحادیث الشیوخ الثقات (المشیخة الکبری): ۴۹۵/۲ حدیث ۶۳ | حلیة الأولیاء وطبقات الأصفیاء للاصبهانی: ۲۵۱۱/۹ | المقاصد الحسنة للسخاوی: ص ۴۱۸ حدیث ۶۱۵)

درجهٔ حدیث: سَنَدٌ ضَعِيفٌ ولاكن لسنده شواهدُ عند البیهقی والسخاوی، ومتابعٌ عند الطحاوی؛ والعمل علیه عند السلف.

ترجمه: و از کلام آنحضرت است صلی‌الله‌علیه‌وآله: خواب صبحگاهی مانع (برکتِ) روزی است.

ای کمر بسته کسبِ روزی را | صبح خیزی دلیلِ فیروزیست
بهرِ خوابِ صباح چشم مبند | زانکه این خواب مانع روزیست

حدیث نوزدهم

وَمِنْ كَلَامِهِ صلی‌الله‌علیه‌وآله: آفَةُ السَّمَاحَةِ الْمَنُّ.[1]

ترجمه: از کلام آنحضرت صلی‌الله‌علیه‌وآله است: آفتِ بخشش و جوانمردی، مِنّت نهادن است.

کَی به نعمت کسی شود دلگرم
چون ز منّت کنند دلْ سردی
غیرِ بادِ خزانِ منّت نیست
آفت روضهٔ جوانمردی

(۱) المعجم الكبير للطبرانی: ۶۸/۳ حدیث ۲۶۸۸ | مسند الشهاب للقضاعی: ۷۸/۱ حدیث ۷۳ | تخريج احاديث احياء علوم الدين: ۲۰۳۸/۵ تحت حديث ۳۲۱۷ | كنز العمال: ۲۶۷/۱۶ حديث ۴۴۳۸۹ و حديث ۴۴۱۲۱ | المداوي لعلل الجامع الصغير وشرحي المناوي للغُماری: ۳۱/۱ تا ۳۵ حدیث ۸ ـ ۱۰

درجهٔ حدیث:

قال العراقی: وسنده ضعيفٌ إلا أنه صحيحُ المعنى. (تخريج احاديث احياء علوم الدين: ۲۰۳۸/۵ تحت حديث ۳۲۱۷)



وَمِنْ كَلَامِهِ ﷺ: وَالسَّعِيْدُ مَنْ وُعِظَ بِغَيْرِهِ.(1)

ترجمه: و از کلام ایشان است ﷺ: نیک‌بخت آنکس است که از دیگران پند بگیرد.

نیکبخت آنکسی که می‌نَبَرد رشک بر نیک‌بختیِ دگران
سختی روزگار نادیده پند گیرد ز سختیِ دگران



كَفَى بِالْمَرْءِ إِثْمًا أَنْ يُحَدِّثَ بِكُلِّ مَا سَمِعَ.(2)

ترجمه: نبی کریم ﷺ فرمودند: برای گناهکار شدن یک شخص

---

(1) مُسْلِم شريف: حديث ۲۶۴۵ كتاب الْقَدَرِ، بَابُ كَيْفِيَّةِ خَلْقِ الآدَمِيِّ فِي بَطْنِ أُمِّهِ وَكِتَابَةِ رِزْقِهِ وَأَجَلِهِ وَعَمَلِهِ وَشَقَاوَتِهِ وَسَعَادَتِهِ | سنن ابن ماجه: حديث ۴۶ أَبْوَابُ السُّنَّةِ، بَابُ اجْتِنَابِ الْبِدَعِ وَالْجَدَلِ

درجهٔ حدیث:

حديثُ مُسْلِمٍ موقوفٌ في حكم المرفوع، و حديثُ ابن ماجه مرفوعٌ حَسَنٌ صَحِيحٌ.

(2) صحيح ابن حبان: ۲۱۴/۱ حديث ۳۰ | مستدرک الحاكم: ۱۹۵/۱ حديث ۳۸۱ و ۳۸۲ | سنن ابى داؤد: حديث ۴۹۹۲ أول كتاب الأدب، باب في الكذب | صحيح مُسلِم بلفظ «كَذِباً»: ۱۰/۱ مقدمة

درجهٔ حدیث: إسنادُهُ صَحِيحٌ عَلَى شَرْطِ الصَّحِيحِ.

همین کافیست که هرچیزی را که می‌شنود به دیگران بگوید.

مرد را بس همین گنه که قدم　　از مَقَرِّ امان نهد بیرون
هرچه آید درونِ روزنِ گوش　　از مَمَرِّ زبان دهد بیرون



وَمِنْ كَلَامِهِ ﷺ: كَفٰى بِالْمَوْتِ وَاعِظًا.(۱)

ترجمه: از کلام آنحضرت ﷺ است: مرگ برای وعظ و پندگیری کافی است.

چند گیری به مجلسِ واعظ
پای منبر پیِ گرفتنِ پند
وعظِ تو بس به مرگ همسایه
نعرهٔ نوحه‌گر به بانگِ بلند

(۱) مسند الشهاب للقضاعی: ۳۰۲/۲ حدیث ۱۴۱۰ کفی بالموت واعظاً | معجم بن الاعرابی: ۵۱۲/۲ حدیث ۹۹۲ باب ی | شعب الایمان للبیهقی: ۱۳۶/۱۳ حدیث ۱۰۰۷۲ الزهد وقصر الامل | الزهد والرقائق لابن المبارك: ۳۷/۲ باب فی ذکر الموت | شرح السنة للبغوی: ۲۶۱/۵ باب ذکر الموت | الیقین لابن ابی الدنیا: ص ۴۶ حدیث ۳۰ | الزهد لاحمد بن حنبل: ص ۱۴۵ حدیث ۹۸۴

درجهٔ حدیث:

سند المرفوع ضَعِيفٌ ولكن له شاهدان صحيحان موقوفان عن ابن مسعود رضی الله عنه (الزهد والرقائق لابن المبارك: ۳۷/۲ | شرح السنة للبغوی: ۲۶۱/۵) و عمارٍ بن یاسر رضی الله عنه (الیقین لابن ابی الدنیا: ص ۴۶ حدیث ۳۰) وكان نقش خاتم امير المؤمنين عمر رضی الله عنه «كفى بالموت واعظا يا عمر». (الموطا بتحقيق الأعظمی: ۸۵/۶)

حدیث بیست و سوم

وَمِنْ كَلَامِهِ ﷺ: خَيْرُ النَّاسِ أَنْفَعُهُمْ لِلنَّاسِ.(۱)

ترجمه: نبی کریم ﷺ فرمودند: بهترین مردم کسی است که بیشتر از همه به مردم نفع می رساند.

ای که پُرسی که بهترین کس کیست گویم از قولِ بهترینِ کسان
بهترین کس کسی بُوَد که ز خلق بیش باشد به خلقْ نفع رسان

حدیث بیست و چهارم

إِنَّ اللهَ يُحِبُّ السَّهْلَ الطَّلْقَ.(۲)

ترجمه: نبی کریم ﷺ فرمودند: خداوند انسانِ نرم‌خوی گشاده

(۱) مسند الشهاب للقضاعی: ۲۲۳/۲ حدیث ۱۲۳۴ خَيْرُ النَّاسِ أَنْفَعُهُمْ لِلنَّاسِ | مسند الشهاب للقضاعی: ۱۰۸/۱ حدیث ۱۲۹ الْمُؤْمِنُ إِلْفٌ مَأْلُوفٌ | المعجم الاوسط للطبرانی: ۵۸/۶ حدیث ۵۷۸۷ | المعجم الکبیر للطبرانی: ۱۰۶/۲ حدیث ۸۶۱ | المقاصد الحسنة للسخاوی: ص ۶۸۸ حدیث ۱۲۳۳ | قضاء الحوائج لابن ابی الدنیا: ص ۴۷ حدیث ۳۶
درجهٔ حدیث: حديثٌ ضَعِيفٌ وَلكن لَهُ شَوَاهِدُ فيتقوى.

(۲) مسند الشهاب للقضاعی: ۱۵۳/۲ حدیث ۱۰۸۳ و ۱۰۸۴ | مکارم الأخلاق للخرائطی: ص ۶۳ حدیث ۱۴۴ بَابُ مَا يُسْتَحَبُّ مِنْ لِينِ الْكَلَامِ وَخَفْضِ الْجَنَاحِ | کنز العمال: ۱۴/۳ حدیث ۵۲۱۰ | المداوی للعل الجامع الصغیر للغماری: ۳۵۶/۲ حدیث ۱۸۶۵/۹۰۱
درجهٔ حدیث: سندُهُ ضَعِيفٌ وَلكن لَهُ شَوَاهِدُ فيتقوى.

رو را دوست دارد.

تا خدا دوست گیردت با خلق   یك‌دل و یك‌زبان و یك‌رو باش
شاد طبع و شکفته خاطر زی   نرم‌خوی و گشاده ابرو باش



وَمِنْ كَلَامِهِ ﷺ: تَهَادُوْا تَحَابُّوْا.[1]

ترجمه: و از کلام آنحضرت ﷺ است: به همدیگر هدیه بدهید باعث دوستی بین تان می‌شود.

دوستی مغز و پوست دشمنی است
تاکی از مغز سوی پوست شوید
به هدایا کنید داد و ستد
تا بهم زان وسیله دوست شوید

(۱) الادب المفرد للبخاری: ص ۲۰۸ حدیث ۵۹۴ | موطا مالک: ۷۹/۲ حدیث ۱۸۹۶ | الآداب للبیهقی: ص ۳۳ حدیث ۸۱ | مسند الشهاب للقضاعی: ۳۸۱/۱ حدیث ۶۵۷ | شعب الایمان للبیهقی: ۳۰۱/۱۱ حدیث ۸۵۶۷ | الکنی والاسماء للدولابی: ۴۶۶/۲ حدیث ۸۴۲ و ۶۴۸/۲ حدیث ۱۱۵۴ | المعجم الاوسط للطبرانی: ۱۹۰/۷ حدیث ۷۲۴۰ | المقاصد الحسنة للسخاوی: ص ۲۶۹ حدیث ۳۵۲
درجهٔ حدیث:
حَدِيثٌ حَسَنٌ لِذَاتِهِ صَحِيحٌ لِغَيْرِهِ.



اطْلُبُوا الْخَيرَ عِنْدَ حِسَانِ الْوُجُوهِ.(۱)

ترجمه: نبی کریم صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمودند: حوائج خویش را از نزد مردم خوشرو بخواهید.

بـر درِ خوب روئـی منزل گیر   چـون پـیِ حاجتی بـرون آیی
که از آن پیشـتر که حاجت تو   دهـد از دیـدنـش بـیـاسـایـی



وَاَیْضًا قَالَ صلی‌الله‌علیه‌وآله: زُرْ غِبًّا، تَزْدَدْ حُبًّا.

(۱) مُصَنَّف ابن ابی شیبة: ۲۹۸/۵ و ۲۹۹ حدیث ۲۶۲۷۶ و ۲۶۷۷ و ۲۶۷۸ مَا ذُكِرَ فِي طَلَبِ الْحَوَائِجِ | الادب لابن ابی شیبة: ص ۱۵۱ و ۱۵۲ حدیث ۴۸ و ۴۹ و ۵۰ | فوائد تمام: ۳۴۰/۱ حدیث ۸۶۴ و ۸۶۵ و ۱۸۷/۲ حدیث ۱۴۸۸ و ۲۹۸/۲ حدیث ۱۷۹۸ | مسند اسحاق ابن راهویه: ۹۴۶/۳ حدیث ۱۶۵۰ و ۱۶۵۱ | مسند الشهاب للقضاعی: ۳۸۴/۱ حدیث ۶۶۱ | مسند ابی یعلی: ۱۹۹/۸ حدیث ۴۷۵۹ | المقاصد الحسنة للسخاوی: ۱۴۷ تا ۱۴۹ حدیث ۱۶۱ | المداوي للغُماری: ۶۰۰/۱ حدیث ۱۱۰۷/۵۴۶

درجهٔ حدیث:

قیل فیه موضوعٌ وقیل ضَعِیفٌ؛ وَالحَقُّ أَنَّهُ حَدِيثٌ حَسَنٌ صَحِيحٌ، كما قال السیوطی: وَهَذَا الْحَدِيثُ فِي مُعتَقدي حَسَنٌ صَحِيحٌ وَقَدْ جمعتُ طرقه فِي جُزْء، وَالله أعلم. (اللآلی المصنوعة للسیوطی: ۶۸/۲ كتاب الصلاة) وقال العجلونی: حَسَنٌ صَحِيحٌ. (كشف الخفاء ومزیل الإلباس للعجلونی: ۲۰۰/۱ حدیث ۵۲۷)

ترجمه: نبی کریم ﷺ فرمودند: دید و وادیدِ دوستان هر چند وقت یکبار، دوستی را می افزاید.[1]

دیدنِ دوست دوست را گه گه   چـهـرۀ دوسـتـی بـیـارایـد
ز اتفـاقِ دوامِ صحبتِ شـان   شـوق کاهـد ملالـت افزایـد



طُوبٰى لِمَنْ شَغَلَهُ عَيْبُهُ عَنْ عُيُوْبِ النَّاسِ.

ترجمه: نبی کریم ﷺ فرمودند: خوشا به حال آنکس که عیب خودش، او را از (پرداختن به) عیوب دیگران مشغول بدارد.

---

(۱) مسند ابی حنیفة بروایة ابی نُعَیم: ص ۱۳۹ | المعجم الکبیر للطبرانی: ۱۳۳/۱۴ حدیث ۱۴۷۵۶ | مسند الشهاب للقضاعی: ۳۶۶/۱ و ۳۶۷ حدیث ۶۲۹ و ۶۳۰ و ۶۳۱ و ۶۳۲ | مجمع الزوائد للهیثمی: ۱۷۵/۸ حدیث ۱۳۶۰۷ و ۱۳۶۰۸ بَابُ الزِّيَارَةِ وَإِكْرَامِ الزَّائِرِينَ | المقاصد الحسنة للسخاوی: ص ۳۷۷ حدیث ۵۳۷ | مسند ابی داؤد الطیالسی: ۲۶۸/۴ حدیث ۲۶۵۸ | مسند الحارث: ۸۶۲/۲ حدیث ۹۲۰ باب فی الزیارة | مسند البزار: ۳۸۰/۹ حدیث ۳۹۶۳ | المعجم الاوسط للطبرانی: ۲۱۰/۲ حدیث ۱۷۵۴ | المعجم الاوسط للطبرانی: ۹/۶ حدیث ۵۶۴۱ | امثال الحدیث لابی الشیخ الاصبهانی: ص ۴۸ حدیث ۱۴ | فوائد تمام: ۹۹/۱ حدیث ۲۲۸

درجۀ حدیث: حَسَنٌ صَحِيحٌ.

قال الهیثمی: رَوَاهُ الطَّبَرَانِيُّ فِي الْأَوْسَطِ، وَفِيهِ ابْنُ لَهِيعَةَ وَحَدِيثُهُ حَسَنٌ، وَبَقِيَّةُ رِجَالِهِ ثِقَاتٌ. (مجمع الزوائد للهیثمی: ۱۷۵/۸ حدیث ۱۳۶۰۷ بَابُ الزِّيَارَةِ وَإِكْرَامِ الزَّائِرِينَ)، وقال ایضاً: رَوَاهُ الطَّبَرَانِيُّ وَإِسْنَادُهُ حَسَنٌ، وَاللهُ أَعْلَمُ. (مجمع الزوائد للهیثمی: ۱۷۵/۸ حدیث ۱۳۶۰۸ بَابُ الزِّيَارَةِ وَإِكْرَامِ الزَّائِرِينَ). وفی حاشیة مسند الشهاب: والحدیث روی من طرق من کثیر من الصحابة فهو صحیحٌ. (۳۶۷/۱)

ای خوش آنکو به عیب بینی خویش　　پیشوای هنروران گردد
عیب او پیشِ دیدهٔ دل او　　پردهٔ عیبِ دیگران گردد[1]

حدیث بیست و نهم

الْغِنٰى الْيَأْسُ مِمَّا فِي أَيْدِي النَّاسِ.[2]

ترجمه: نبی اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: غنیٰ و ثروت اصلی، قطع طمع

(۱) شعب الایمان للبیهقی: ۱۴۲/۱۳ حدیث ۱۰۰۷۹ الزهد وقصر الامل | مسند البزار: ۳۴۸/۱۲ حدیث ۶۲۳۷ | فوائد تمام: ۲۰۸/۱ حدیث ۴۹۱ | مسند الشهاب للقضاعی: ۳۵۷/۱ و ۳۵۸ حدیث ۶۱۳ | مجمع الزوائد للهیثمی: ۲۲۸/۱۰ حدیث ۱۷۷۰۰ | المقاصد الحسنة للسخاوی: ص ۴۳۳ حدیث ۶۶۲ | معجم ابن عساکر: ۱۰۵۲/۲ و ۱۰۵۳ حدیث ۱۳۵۸

درجهٔ حدیث:

قال ابن عساکر رحمه الله: وقوله: «طُوبٰى لِمَنْ شَغَلَهُ عَيْبُهُ» وما بعده يُرْوىٰ بإسنادٍ صالحٍ عن ركب المصري عن رسول الله صلی الله علیه و آله. (معجم ابن عساکر: ۲/ ۱۰۵۳ حدیث ۱۳۵۸)

(۲) مسند الشهاب للقضاعی: ۱۴۶/۱ حدیث ۱۹۹ | المعجم الاوسط للطبرانی: ۵۵/۶ حدیث ۵۷۷۸ | المعجم الکبیر للطبرانی: ۱۳۹/۱۰ حدیث ۱۰۲۳۹ | حلیة الاولیاء للاصبهانی: ۱۸۸/۴ | مجمع الزوائد للهیثمی: ۲۸۶/۱۰ حدیث ۱۸۰۶۴ | المقاصد الحسنة للسخاوی: ۲۲۲ و ۲۲۳ حدیث ۲۷۳ | المعجم الکبیر للطبرانی: ۱۵۴/۴ حدیث ۳۹۸۷ و ۳۹۸۸ | المعجم الکبیر للطبرانی: ۴۴/۶ حدیث ۵۴۵۹ بلفظ وَاجْمَعِ الْيَأْسَ مِمَّا فِي أَيْدِي النَّاسِ | مساوئ الاخلاق للخرائطی: ۳۰۹ حدیث ۶۴۵ بلفظ وَاجْمَعِ الْيَأْسَ مِمَّا فِي أَيْدِي النَّاسِ | معجم ابن الاعرابی: ۶۴۳/۲ حدیث ۱۲۷۹ بلفظ وَاطْلُبِ الْيَأْسَ مِمَّا فِي أَيْدِي النَّاسِ

درجهٔ حدیث: سَنَدُهُ ضَعِيفٌ وَمَتْنُهُ صَحِيحٌ.

اسانید الحدیث ضعیفة کلها ولاکن له شواهدُ صحیحةٌ، منها حدیث المتفق علیه «الغِنٰى غِنَى النَّفْسِ». صحیح البخاری: حدیث ۶۴۴۶ كِتَابُ الرِّقَاقِ، بَابُ الغِنَى غِنَى النَّفْسِ | صحیح مسلم: حدیث ۱۰۵۱ كِتَابُ الزَّكَاةِ، بَابُ لَيْسَ الْغِنَى عَنْ كَثْرَةِ الْعَرَضِ

از مال مردم است.

گر دلت را توانگری باید   که توانگر دِلی نکو هنریست
بازکش دستِ همّت از همه چیز   که به دستِ تصرُّفِ دگریست

حدیث سی ام

مِنْ حُسْنِ إِسْلَامِ الْمَرْءِ تَرْكُهُ مَا لَا يَعْنِيْهِ.[1]

ترجمه: علامت نیکوئی اسلامِ انسان این است که کارها و حرف های بی‌فایده را ترک کند.

تا شود در جهان علم و عمل   شاهد دین تو جمال افزای
زآنچه در خور نیفتدت باز ایست   زآنچه لایق نباشدت باز آی

حدیث سی و یکم

لَيْسَ الشَّدِيدُ بِالصُّرَعَةِ، إِنَّمَا الشَّدِيْدُ الَّذِي يَمْلِكُ نَفْسَهُ عِنْدَ الْغَضَبِ.

---

(۱) موطا محمد: ص ۳۳۴ حدیث ۹۴۹ باب فضل الحیاء | جامع الترمذی: حدیث ۲۳۱۷ و ۲۳۱۸ أَبْوَابُ الزُّهْدِ | سنن ابن ماجه: حدیث ۳۹۷۶ كِتَابُ الْفِتَنِ، بَابُ كَفِّ اللِّسَانِ فِي الْفِتْنَةِ | الجامع لابن وهب: ص ۴۱۰ حدیث ۲۹۷ و ص ۵۴۸ حدیث ۴۴۳ | الجامع لابن وهب: ص ۴۱۰ حدیث ۲۹۷ و ص ۵۴۸ حدیث ۴۴۳

درجهٔ حدیث: حَدِيثٌ حَسَنٌ صَحِيحٌ

ترجمه: نبی اکرم ﷺ فرمودند: پهلوان آن نیست که دیگری را بخواباند، پهلوان آن است که در وقت خشم، خود را اداره کند.[۱]

پهلوان نیست آنکه در کُشتی پهلوان دگر بیندازد
پهلوان آن بُوَد که وقتِ غضب نفسِ اَمّاره را زبون سازد



لَيْسَ الغِنٰى عَنْ كَثْرَةِ العَرَضِ، وَلَكِنَّ الغِنٰى غِنَى النَّفْسِ.[۲]

ترجمه: نبی اکرم ﷺ فرمودند: ثروت حقیقی پول داشتنِ بسیار نیست، ثروت حقیقی بی‌نیازی و غِنای دل است.

نه توانگر کسی بُوَد که به مال
کارپرداز و چاره‌ساز بُوَد
آن بُوَد کز شهودِ فضل خدای
از زر و مال بی نیاز بُوَد

---

(۱) صحیح البخاری: حدیث ۶۱۱۴ کِتَابُ الأَدَبِ، بَابُ الحَذَرِ مِنَ الغَضَبِ | صحیح مسلم: حدیث ۲۶۰۹ کتاب الْبِرِّ وَالصِّلَةِ وَالآدَابِ، بَابُ فَضْلِ مَنْ يَمْلِكُ نَفْسَهُ عِنْدَ الْغَضَبِ وَبِأَيِّ شَيْءٍ يَذْهَبُ الْغَضَبُ

(۲) صحیح البخاری: حدیث ۶۴۴۶ کِتَابُ الرِّقَاقِ، بَابُ الغِنَى غِنَى النَّفْسِ | صحیح مسلم: حدیث ۱۰۵۱ کِتَابُ الزَّكَاةِ، بَابُ لَيْسَ الْغِنَى عَنْ كَثْرَةِ الْعَرَضِ

حدیث سی و سوم

وَمِنْ كَلَامِهِ ﷺ: أَلْحَزْمُ سُوْءُ الظَّنِّ.(۱)

ترجمه: نبی اکرم ﷺ فرمودند: دور اندیشی (در معاملات) عبارت از بد گمانی است.(۲)

حَزْمِ مرد آن بُوَد که در همه وقت — در حقِّ خَلقْ بد گمان باشد
در همه کار احتیاط کند — تا ز هر کید در امان باشد

حدیث سی و چهارم

وَمِنْ كَلَامِهِ ﷺ: أَلْعِلْمُ لا يَحِلُّ مَنْعُهُ.

---

(۱) مسند الشهاب للقضاعی: ۴۸/۱ حدیث ۲۴ اَلْحَزْمُ سُوءُ الظَّنِّ | تاریخ المدینة لابن شبة: ۸۰۱/۳ | شعب الایمان للبیهقی: ۳۷۴/۶ حدیث ۴۳۵۶ | المقاصد الحسنة للسخاوی: ص ۶۵ حدیث ۳۲

درجهٔ حدیث:

رُوِیَ بأسانید ضعیفة کلّها، مرفوعاً وموقوفاً ومقطوعاً، وبعضها یتقوی ببعض.

(۲) **معنی سوء ظن داشتن در معاملات:**

در معاملات، سُوءِ ظن باید داشت و در معاشرات حُسنِ ظن. مراد از سوء ظن در معاملات این است که هر کسی که تجربهٔ معامله با او را ندارید، در معامله با او احتیاط کنید، در معامله به او قرض ندهید. این معنی سوء ظن در معاملات است. البته در اعتقاد با همه باید حُسن ظن داشت، کسی را نباید بد پنداشت. هر دوی اینها را می توان در یک وقت جمع کرد. (ملفوظات حکیم الامت: ج ۶ ص ۴۲۲)

ترجمه: حضرت نبی کریم ﷺ فرمودند: ممانعت از آموختن علم (دین) روا نیست.[1]

ای گرانمایه مرد دانشوَر　　که ترا علم دین بُوَد معلوم
مُستعدّ را از آن مشو مانع　　مُستحقّ را از آن مکن محروم

حدیث سی و پنجم

وَمِنْ كَلَامِهِ ﷺ: الْكَلِمَةُ الطَّيِّبَةُ صَدَقَةٌ.[2]

ترجمه: نبی کریم ﷺ فرمودند: سخن نیك گفتن با مردم صدقه است و ثواب دارد.

سخن نرم گوی با سایل　　گر ز مالَش نمی‌دهی نفقه
زآنکه در روی اهل حاجت هست　　قولِ خوش از مقولهٔ صدقه

(۱) مسند الشهاب للقضاعی: ۸۴/۱ حدیث ۸۴ | کنز العمال: ۱۳۴/۱۰ حدیث ۲۸۶۷۰ و کنز العمال: ۲۱۷/۱۰ حدیث ۲۹۱۵۱ | المقاصد الحسنة للسخاوی: ص ۴۶۲ حدیث ۷۰۶

درجهٔ حدیث:

يُرْوٰى بِإسنَادَيْنِ ضَعِيفَيْنِ ولاكن له شاهدٌ صَحِيحٌ على شرط الشيخَيْن؛ «مَنْ سُئِلَ عَنْ عِلْمٍ فَكَتَمَهُ جِيءَ بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَقَدْ أُلْجِمَ بِلِجَامٍ مِنْ نَارٍ». المستدرك للحاكم: ۱۸۱/۱ و ۱۸۲ حدیث ۳۴۴ و ۳۴۶

(۲) صحیح البخاری: حدیث ۲۹۸۹ كِتَابُ الجِهَادِ وَالسِّيَر، بَابُ مَنْ أَخَذَ بِالرِّكَابِ وَنَحْوِهِ | صحیح مسلم: حدیث ۱۰۰۹ كِتَاب الزَّكَاةِ، بَابُ بَيَانِ أَنَّ اسْمَ الصَّدَقَةِ يَقَعُ عَلَى كُلِّ نَوْعٍ مِنَ الْمَعْرُوفِ



وَمِنْ كَلَامِهِ ﷺ: كَثْرَةُ الضَّحِكِ تُمِيْتُ الْقَلْبَ.(۱)

ترجمه: نبی کریم ﷺ فرمودند: خندۀ بسیار، دل را می میراند.

خُرّم آنکس که بهرِ زنده‌دلی　　زیر لب خنده را بمیراند

خنده کم کن که خندۀ بسیار　　صد دل زنده را بمیراند



وَمِنْ كَلَامِهِ ﷺ: الْجَنَّةُ تَحْتَ أَقْدَامِ الْأُمَّهَاتِ.(۲)

ترجمه: نبی اکرم ﷺ فرمودند: بهشت در زیر پای مادران است.

---

(۱) جامع الترمذی: حدیث ۲۳۰۵ أَبْوَابُ الزُّهْدِ، بَابٌ: مَنْ اتَّقَى المَحَارِمَ فَهُوَ أَعْبَدُ النَّاسِ | سنن ابن ماجه: حدیث ۴۱۹۳ أَبْوَابُ الزُّهْدِ، بَابُ الْحُزْنِ وَالْبُكَاءِ | الادب المفرد للبخاری: ص ۹۸ حدیث ۲۵۲ و ۲۵۳ | مُسند احمد: ۴۵۸/۱۳ و ۴۵۹ حدیث ۸۰۹۵

درجۀ حدیث: حَدِيثٌ حَسَنٌ صَحِيْحٌ

(۲) مسند الشهاب للقضاعي: ۱۰۲/۱ حدیث ۱۱۹ | الكني والاسماء للدولابي: ۱۰۹۱/۳ حدیث ۱۹۱۰ و ۱۹۱۱ | المقاصد الحسنة للقضاعی: ص ۲۸۶ حدیث ۳۷۳

درجۀ حدیث:

حديثٌ ضَعِيفُ السَّنَدِ صَحِيحُ المعنىٰ فَفِي سُنَنِ النَّسَائِي: ۱۱/۶ حدیث ۳۱۰۴ كِتَابُ الْجِهَادِ، الرُّخْصَةُ فِي التَّخَلُّفِ لِمَنْ لَهُ وَالِدَةٌ بلفظ فَالْزَمْهَا فَإِنَّ الْجَنَّةَ تَحْتَ رِجْلَيْهَا | وفي المستدرك للحاكم: ۱۱۴/۲ حدیث ۲۵۰۲ و ۱۶۷/۴ حدیث ۷۲۴۸ بلفظ «فَإِنَّ الْجَنَّةَ عِنْدَ رِجْلَيْهَا».

سر ز مادر مکش که تاج شرف	گردی از راه مادران باشد
خاک شو زیر پای او که بهشت	در قدم گاه مادران باشد

حدیث سی و ششم

الْبَلَاءُ مُوَكَّلٌ بِالْمَنْطِقِ.(1)

ترجمه: نبی کریم صلی الله علیه و آله فرمودند: گفتار، سبب بلاهاست.

هر که شد مبتلا به پُرگویی	به بلایی عجب گرفتار است
هر بلایی که می‌رسد به کسان	بیشتر از مَمَرِّ گفتار است

(1) مسند الشهاب للقضاعی: ۱۶۱/۱ و ۱۶۲ حدیث ۲۲۷ و ۲۲۸ | امثال الحدیث لابی الشیخ الاصبهانی: ص ۸۸ حدیث ۵۱ | المعجم الاوسط للطبرانی: ۷۸/۷ حدیث ۶۹۰۸ | المداوی لعلل الجامع الصغیر وشرحی المناوی للغماری: ۵۵۴/۳ و ۵۵۵ حدیث ۱۳۸۴/ ۳۲۱۹ البَلاءُ مُوَكَّلٌ بالمَنْطِق

درجهٔ حدیث:

حدیثٌ ضَعیفُ السَّنَدِ صَحیحُ المعنیٰ، فعند الشیخَیْن: «مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللهِ وَالْيَوْمِ الآخِرِ فَلْيَقُلْ خَيْرًا أَوْ لِيَصْمُتْ». صحیح البخاری: حدیث ۶۰۱۸ كِتَابُ الأَدَبِ، بَابٌ: مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللهِ وَالْيَوْمِ الآخِرِ فَلاَ يُؤْذِ جَارَهُ | صحیح البخاری: حدیث ۶۴۷۵ كِتَابُ الأَدَبِ، بَابُ حِفْظِ اللِّسَانِ | صحیح مسلم: حدیث ۴۷ كِتَابُ الْإِيمَانَ، بَابُ الْحَثِّ عَلَى إِكْرَامِ الْجَارِ وَالضَّيْفِ، وَلُزُومِ الصَّمْتِ إِلَّا عَنِ الْخَيْرِ وَكَوْنِ ذَلِكَ كُلِّهِ مِنَ الْإِيمَانِ | صحیح مسلم: حدیث ۴۸ كِتَابُ اللُّقَطَةِ، بَابُ الضِّيَافَةِ وَنَحْوِهَا

وعند احمد والترمذی فی حدیثٍ حَسَنٍ صَحِیح: «مَنْ صَمَتَ نَجَا». مسند احمد: ۱۹/۱۱ حدیث ۶۴۸۱ و ۲۳۵/۱۱ حدیث ۶۶۵۴ | جامع التِّرمذی: حدیث ۲۵۰۱ أَبْوَابُ صِفَةِ الْقِيَامَةِ وَالرَّقَائِقِ وَالْوَرَعِ

حدیث سی و نهم

النَّظْرَةُ سَهْمٌ مَسْمُومٌ مِنْ سِهَامِ إِبْلِيسَ.(1)

ترجمه: نبی کریم صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمودند: نظر به نامحرم تیری زهرآلود از تیرهای شیطان است.

دیدن زلف و خالِ نامحرم ... دانهٔ کید و دام ابلیس است
هر نظر ناوکیست زهرآلود ... که ز شستِ کمانِ ابلیس است

حدیث چهلم

وَمِنْ كَلَامِهِ صلی‌الله‌علیه‌وآله: لَا يَشْبَعُ الْمُؤْمِنُ دُوْنَ جَارِهِ.

(1) المستدرك للحاكم: ٣٤٩/٤ حديث ٧٨٧٥ | المعجم الكبير للطبراني: ١٧٣/١٠ حديث ١٠٣٦٢ | مسند الشهاب للقضاعي: ١٩٥/١ حديث ٢٩٢ | الترغيب والترهيب لقوام السنة: ٨٣/١ حديث ٣٨ | تخريج احاديث الاحياء: ٦١١/٢ حديث ٦٧٩ | اتحاف المهرة لابن حجر: ٢٦٦/٤ حديث ٤٢٤٢ | كشف الخفا للعجلوني: ٣٩٨/٢ و ٣٩٩ حديث ٢٨٦٤ | مختصرُ استدرَاك الحافِظ الذّهبي على مُستدرَك أبي عبد الله الحَاكم لابن الملقن: ٢٩٨٦/٦ تا ٢٩٨٨ تحت حديث ١٠٠٨

درجهٔ حدیث: حَدِيثٌ حَسَنٌ صَحِيحٌ لَهُ شَوَاهِدُ صَحِيحَةٌ وَصَحَّحَهُ غيرُ واحدٍ مِن أهلِ العِلم. قال الحاكم: هَذَا حَدِيثٌ صَحِيحُ الْإِسْنَادِ وَلَمْ يُخَرِّجَاهُ. (المستدرك للحاكم: ٣٤٩/٤ حديث ٧٨٧٥) وأقره العراقي وقال: رواه الْحَاكِم وَصَحَّحَ إِسْنَادَهُ مِن حَدِيث حُذَيْفَة رضي الله عنه. (تخريج احاديث الاحياء: ٦١١/٢ حديث ٦٧٩) وأقره العجلوني وقال: رواه الحاكم وَصَحَّحَهُ، وأقره العراقي. (كشف الخفا للعجلوني: ٣٩٨/٢ و ٣٩٩ حديث ٢٨٦٤)

ترجمه: نبی کریم ﷺ فرمودند: مسلمان سیر نمی خورد در حالی که همسایه‌اش گرسنه است.[1]

هر که در خِطّهٔ مسلمانی ... باشد از نقد دین گرانمایه
کَی پسندد که خود بِخُسْبَد سیر ... بنشیند گرسنه همسایه؟



تَمّتْ تَرْجَمَةُ هٰذِهِ الْأَرْبَعِيْنَ
بِتَوْفِيْقِ مَنْ هُوَ نَاصِرٌ وَّمُعِيْنٌ؛ سَنَةَ سِتٍّ وَثَمَانِيْنَ وَثِمَانمائَةَ،
وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ عَلَى الْإِتْمَامِ
وَالصَّلٰوةُ وَالسَّلَامُ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الْبَرَرَةِ الْكِرَامِ.

اربعین های سالکانْ جامی
هست بهرِ وصول صدرِ قبول
نَبْوَد از فضلِ حق عجیب و غریب
که بدین اربعین رسی به وصول



(۱) الزهد لابن المبارک: ۱۷۹/۱ و ۱۸۰ حدیث ۵۱۳ | مسند احمد: ۴۴۸/۱ حدیث ۳۹۰ | المستدرك للحاکم: ۱۸۵/۴ حدیث ۷۳۰۸ | مجمع الزوائد للهیثمی: ۱۶۷/۸ حدیث ۱۳۵۵۶ | المطالب العالیة لابن حجر: ۴۹/۱۲ حدیث ۲۷۴۵ | الادب المفرد للبخاری: ص ۵۲ حدیث ۱۱۲ باب لا یشبع دون جاره | مجمع الزوائد للهیثمی: ۱۶۷/۸ حدیث ۱۳۵۵۴ و ۱۳۵۵۵

درجهٔ حدیث:
حَدِيثٌ حَسَنٌ صَحِيحٌ وَلَهُ شَوَاهِدُ صَحِيحَةٌ

دربارهٔ محشّی کتاب

دربارهٔ محشی کتاب

اسم: محمد ابراهیم ولد محمد اعظم ولد محمد شفیع تیموری

تاریخ ولادت: ۱۴ سنبلهٔ ۱۳۴۸ شمسی مطابق ۱۳۸۹ هـ.ق

محل ولادت: جوی شیر، کابل، افغانستان

تحصیلات ابتدائی: مکتب قاری عبد الله، کابل، افغانستان

ادامهٔ تحصیلات: کالج دولتی کرْنال، کرنال، هَرْیانا، هند (حیات‌شناسی)

دانشگاه جامعهٔ ملیهٔ اسلامیه، دهلی نو، هند (زبان عربی)

علوم دینی: دار العلوم دیوبند، هند

مدرسهٔ رحیمیه، دهلی، هند (تا دورهٔ مشکاة)

مدرسهٔ امینیه، دهلی، هند (دورهٔ حدیث)

مدرسهٔ امینیه، دهلی، هند (دورهٔ افتاء)

تراجم و تالیفات محشی کتاب

- عقائد ما
- مختصر عقائد
- عقائد اسلام
- عقائد اهل سنت و جماعت
- الفقهُ الأكبرُ للإمام الأعظم أَبي حنيفة رضي الله عنه (متن)
- الفقهُ الأكبرُ (متن ـ ترجمه ـ شرح)
- شرح فقه اكبر (از مولانا بحر العلوم لكهنوى)
- الوَصِيَّةُ في التَّوْحِيْدِ للإمام الأعظم أَبي حنيفة رضي الله عنه (متن)
- الوَصِيَّةُ في التَّوْحِيْدِ (متن ـ ترجمه ـ شرح)
- (متن كامل) العقيدة الطحاوية (أى عقيدة الإمام الأعظم أَبي حنيفة رضي الله عنه) تهيه شده از روى تقريباً ٣۵ نسخهٔ قلمى و ١۵ نسخهٔ چاپى
- عقيدهٔ طحاوى (ترجمه و شرح مختصر ـ فارسى)
- ترجمهٔ عقيدهٔ طحاوى به انگليسى The Creed of Imam Tahawi
- عقيدهٔ طحاوى (به سه زبان: عربى ـ فارسى ـ انگليسى)
- ثمرة العقائد

❁ اعتقاد نامهٔ جامی

❁ ایمان کامل (از علامه فرهاری صاحب نبراس)

❁ اسلام چیست

❁ چگونه حج کنید

❁ زیورهای بهشتی (حصهٔ اول، دوم، سوم، چهارم و پنجم)

❁ گوهرهای بهشتی

❁ زیورهای بهشتی (کامل در دو جلد)

❁ زیورهای بهشتی (دورهٔ کامل یك جلدی)

❁ نماز اهل السنت و الجماعت

❁ ترجمهٔ نماز اهل السنت و الجماعت به انگلیسی

Salah of Ahlu-Sunnah wal-Jama'ah

❁ بیائید نماز بخوانیم چنانکه حضرت رسول الله ﷺ نماز می خواندند

❁ اصول التجوید

❁ خیر الأُصول فی حدیث الرسول

❁ رسالهٔ اصول حدیث (منظوم)

❁ فوائدی در علوم حدیث

❁ بنیادهای دین و ضرورت تقلید

❁ دعوت دین و حفاظت مسلك

❁ فرق بین حدیث و سنت

❁ سَلَفی اصلی و سَلَفی امروزی

❁ مثنوی تحفهٔ روشنفکر (سیکولر)

❁ **چهل حدیث:** چرا در داخل نماز رفع یَدَیْن نمی‌کنیم

❁ **چهل حدیث:** رفع یَدَیْن در داخل نماز منسوخ است

❁ رفعُ الیَدَیْن جز در آغاز نماز در هیچ جای دیگر نمازهای پنجگانه مسنون نه بلکه متروک است

❁ چرا در داخل نماز رفع یَدَیْن نمی‌کنیم (مجموعهٔ ۳۴۰ حدیث)

❁ پیامبر اعظمﷺ، صدیق اعظم رضی الله عنه و فاروق اعظم رضی الله عنه رفع یَدَیْن نمی‌کردند

❁ **چهل حدیث:** امیرالمؤمنین حضرت عمر بن الخطاب رضی الله عنه رفع یَدَیْن نمی‌کرد

❁ **چهل حدیث:** امیرالمؤمنین حضرت علی مرتضیٰ رضی الله عنه رفع یَدَیْن نمی‌کرد

❁ **چهل حدیث:** حضرت عبد الله بن عمر رضی الله عنه و مسئلهٔ رفع یَدَیْن

❁ صحبتی با یک برادر سَلَفی بر مسئلهٔ رفع یَدَین

❁ صحبت یک شیخ سَلَفی با یک عالم حنفی دربارهٔ رفع یَدَین

❁ **مسئلهٔ رفع یَدَیْن:** و یاران امیر المؤمنین حضرت علی مرتضی رضی الله عنه و یاران حضرت عبد الله بن مسعود رضی الله عنه

❁ **چهل حدیث:** دربارهٔ ایمان و اخلاق و اعمال ...

❁ **چهل حدیث:** اربعین جامی رحمه الله (ترجمه و تخریج احادیث)

❁ **چهل حدیث:** شهروندی

❁ مذهب حنفی مبتنی بر احتیاط است

❁ **چهل حدیث:** دلائل نُه مسائل نماز

نماز تراویح: بین اهل سنت و جماعت و اهل بدعت

❁ اجماع صحابه و تابعین و مجتهدین اسلام برآنکه حد اقل نماز تروایح بیست رکعت است

❁ چرا بیست رکعت تراویح؟

❁ ۴۴ دلائل ۲۰ رکعت تراویح

❁ برادران سَلَفی! بیائید تراویح خود را ثابت کنید

❁ **تراویح:** استدلال‌های غلط برادران فرقهٔ سَلَفی

❁ **تراویح:** ده چیلنج خدمت برادران فرقهٔ سَلَفی

❁ تصانیف و تألیفات امام اعظم ابوحنیفه ﷺ

❁ تألیفات الإمام الأعظم أبي حنيفة ﷺ (عربی، ناچاپ)

❁ فضائل و مسائل ماه مُحَرَّم

❁ اثبات دعای قنوت احناف

❁ امام اعظم ابوحنیفه ﷺ و فقه شریف حنفی

❁ شیخ آلبانی و علم حدیث

❁ فتوای دار العلوم دیوبند در مورد داکتر ذاکر نایک

❁ لمس قرآن بدون وضو جایز نیست

❁ دست‌ها در آغاز نماز تا کجا بلند شود؟

❁ محل بستن دست‌ها در نماز

❁ در نماز بستن دست‌ها در زیر ناف سنت است

❁ دست‌ها در نماز کجا بسته شود؟

❁ عدم جواز قرائت قرآن در پشت امام ولو سورۀ فاتحه

❁ قرائت مقتدی در پشت سر امام ممنوع است

❁ گفتن آمین با صدای آهسته و خُفیه در نماز سنت است

❁ آمین در نماز با صدای آهسته گفته می‌شود

❁ روش مسنون نشستن در وقت تشهُّد

❁ نماز وتر واجب و سه رکعت با یک سلام است

❁ نماز وتر سه رکعت با یك سلام است

❁ جمع دو نماز در یک وقت جایز نیست

❁ خواندن سورۀ فاتحه در نماز جنازه

❁ زنان به اجماع اُمت در بسیاری از مسائل نماز با مردان تفاوت دارند

❁ نماز زنان با نماز مردان تفاوت دارد

❁ مسح بر جوراب‌های نازک امروزی جایز نیست

❁ هنگام خطبۀ امام، خواندن نماز یا سخن گفتن با کسی مکروه تحریمی و ممنوع است

❁ د اهل سنت والجماعت لمانځه

❁ د اهل سنت والجماعت عقائد

❁ راځي چې لمونځ وکړو څه رنګه چې رسول الله ﷺ ادا کولو

❁ څلويښت احاديث د نه مسائلو دلايل

❁ ولې شل رکعته تراويح

❁ پيامبر اعظم ﷺ، صديق اعظم رضي الله عنه او فاروق اعظم رضي الله عنه رفع يَدَيْن نکول

❁ ثلو ښت احاديث چې حضرت عمر رضي الله عنه رفع يدين نکول

❁ د عبد الله بن عمر رضي الله عنه ثلو ښت احاديث او د رفع يدينو مسئله

نشانی محشی کتاب

شمارۀ تلفون/تلگرام/واتس اپ:

۰۰۴۴۷۷۷۶۰۰۳۱۳۷

Email:
miteymori@gmail.com

